

اندرز او شندر انا

مقدمه

بسم آقای رشیدی

فایدهٔ تتبع در زبان پهلوی هر روز بیشتر معلوم میشود زیرا که فضیلهٔ پارسی و اروپائی در طبع و نشر و تفسیر و ترجمهٔ کتب پهلوی هر روز کوشش جدید میکنند اتفاقاً در ایران تفتیش این سرچشمهٔ مهم قرن هاست. متروک و ادبیات ما از فواید تاریخی و معنوی آن محروم مانده است بعد از آنکه در قرون نخستین اسلام دانشمندانی چون ابن مقفع و ثعالبی و دقیقی و فردوسی و ابوریحان و فخر گرانگی و غیره استفادهٔ بسیار از این قبیل کتب کردند علماء و ادبای بعد چندان التفاتی باین منبع نمودند تا بجائی که بکلی فراموش گردید و دانشمندان ایران جز بوسیلهٔ اشارات پراکنده در کتب شعراء مثل «سخن گفتن پهلوانی» در شاهنامه و «فهاویات» در کتاب شمس قیس رازی و «گلبانک پهلوی» در غزل خواجه حافظ از زبان و ادبیات پهلوی که قرنهای عهد اشکانیان و ساسانیان ترجمان افکار و واسطهٔ ارتباط شئون و شعب تمدن نیاکان ما بوده است اطلاعی نداشته اند عالم این مهجور ماندن بسیار است از آن جمله مطالب اکثر رسالات پهلوی را باید شمرد که چون آمیخته با مسائل دینی است در نزد مسلمانان کلام هجوس و سخن گبری بوده و جالب توجهی نمیکرده است دیگر مشکلات خط که نظر بتشابه بعضی حروف بایکدیگر و متروک ماندن زبان پهلوی در چندین قرن خواندن آن کتب امری سهل نبوده است. علت دیگر آن است که چون قریب هزار لغت آرامی در زبان پهلوی وارد بوده است که می نوشتند ولی نمی خواندند و آنهارا هزارش می نامند جمعی تصور کرده اند که تمام زبان پهلوی از شعبهٔ سامی است و ارتباطی با السنهٔ آریائی ندارد سبب دیگر اینکه کتابی بخط پهلوی که در عهد ساسانیان نوشته شده باشد در دست نیست و قدیمترین نسخهٔ موجوده از این خط که در کتابخانهٔ کونینهاک دانمارک مضبوط است تاریخ تحریرش ۶۹۱ هجری قمری است از این جهت تصور میرفت که این کتب را بعد از اسلام بچند قرن زردشتیان ایران جعل کرده اند تا حربهٔ

در برابر مسلمانی داشته باشند بنا برین لغات آن‌ها را مجعول و غیر قابل اعتماد می‌پنداشته‌اند اما تبعات تاریخی و لغوی ثابت کرده است که اکثر این رسالات از روی کتب قدیمتری که منتهی بعهد ساسانی میشود استنساخ گردیده و روحانیون زردشتی که در حفظ آثار دینی خود جدی و تعصبی وافی داشته‌اند تا حدود امکان آن یادگارهای قدیم را از دستبرد حوادث صیانت می‌کرده‌اند کلمات بسیاری در این کتب هست که عادهً بایستی بعضی حروف از آنها ساقط میشد زیرا که در قرون وسطای اسلامی البته آن حروف خوانده نمی‌شده است معذک نساخ از فرط علاقه با آثار کهن صورت عتیق کلمات را عیناً حفظ و در نسخه‌های جدید نقل کرده‌اند چنانکه در این نسخه‌ها الفاظی است که از حیث قدمت شکل حکایت از مندرجات کتیبه‌های اشکانی و ساسانی می‌کند (مثل کتیبه‌های طاق بستان کرمانشاه و پای کولی کردستان عراق) بنا بر این مقدمات می‌توان نسخ موجوده را کاملاً معتبر و آئینه کتب عهد ساسانی دانست با صرف نظر از معایب و ضایعات او راق که در هر کتاب کهنی مشهود است.

ایرانیان در آشنا شدن با این میراث نیاگان خود مرهون زحمات دو طایفه‌اند یکی پارسیان و زردشتیان مقیم هندوستان که بنا بر علاقه دینی این آثار را نگاهداشته و در سنوات اخیر بطبع و نشر آنها پرداخته و اوقافی بر آن مقرر کرده‌اند دیگر علماء اروپائی که طریقه خاص کنجکاوی علمی خود را صرف حل رموز این زبان و سایر السنه قدیم ایرانی نموده و بسیاری از تاریکی‌های خط و زبان بهلوی را روشن کرده‌اند از میان این گروه نانی باید سعی‌های پرفسر ار نست هر تسفلد آلمانی رامشکور داشت که سالی دو در طهران عملاً بتدریس بهلوی پرداخته و سه چهارتن از عشاق آثار قدیمه را با اصول قرائت این خط و اکتشافات جدیده که در آن اتفاق افتاده آشنا کردند از آن جمله نگارنده این سطور نیز بقدر استعداد خویش بهری برگرفته و تا این زمان نظر بشوق فطری با کمال صعوبتی که در تمام این خط است حتی المقدور در آن رنجی برده و چند رساله پارسی کنونی ترجمه کرده است از آن جمله است اندرز نامه آذرباد، رسپندان و کتاب ارداویر افنانه که در صد طبع و نشر آنها است.

اندرز اوشتر دانا

در سال ۱۹۳۰ میلادی یارسیان مقیم هندوستان چند نسخه از این اندرز را که بحظ بهاوی در کتابخانه های کینهاک و یاریس و مونبخ موجود است گرد آورده و مقابله و تصحیح آنها را بعهده فاضل محترم ازواد بهمن جی نوسروانجی دها بر محول داشته اند ایشان هم با دقت تمام آن نسخ را مقابله نموده و مقدمه و شرحی بانگایسی بر آن نگاشته اند .

نگارنده این سطور بترجمه آن متن بهاوی پرداخت تا فارسی زبانان را از نصایح سودمند و طرز نویسندگی و استعمال لغات آن فوایدی حاصل شود . چون آقای دها بر آنچه باید و شاید در باب این نسخه و حکیمتی که این اندرزها باو منسوب است تحقیق کرده اند صواب آن دید که شمه از آنچه در مقدمه ذکر کرده اند در اینجا بیاوریم .

نام و زمان صاحب اندرز
در اوستا اوشتره در بهاوی اوشتر و در کتب مؤخر بهاوی هوشور و هوش آور (بمعنی استاد) آمده است در بند هشن او را عناصر کانیان و در دادستان دینک زمان او را بین کیقیاد و سیاوخش و در آفرین زرتشت هم عهد کیکائوس قرار داده اند تا بر روایت دینکرد صاحب این اندرزها وزیر کیکائوس بوده و موافق مسطورات بند هشن ایرانی در زمان کیکائوس بدست دیوان کشته شده است. از فروردین بشت اوستا که نام اوشتر در آن مذکور است نمیتوان زمان او را استنباط کرد ولی اهم او را در میان پادشاهان کیانی آورده است در هر حال از مجموع این روایات معلوم میشود که اوشتر در اعصار ما قبل تاریخ میزیسته و آوازه خرد و دانش و مقام وزارت او بازمنه اخیر رسیده و در رسالات بهاوی و یازند ثبت شده است راو را باوصاف حمیده ستوده دستور پر خرد و شجاع و هوشیار خوانده اند در کتاب وژار کرد دینی قصه از او نقل شده است که حکایت برزویه طیب نوشیروان و رفتن او را به هندوستان از پی گیاه عجیب و آوردن کتاب گیاه و دمه که ترش هنامه مسطور است بیاد میآورد و ما آن قصه را با اندک تغییری در اینجا ترجمه میکنیم :

« شاید داست که این سخن اندر همه جای وروستا مشهور و روشن است که دانایی از به دینان از دستور اوشتر پرسید که من از دانایان هوشمندان شنودم که بایران شهر بس کوه های بلندند و بر آنها گیاه زرین همه بر روید که اگر از آن چیزی به مردگان بدهند هم اندر زمان زنده شوند این سخن بمنش من شکست است . اوشتر بیاسخ گفت که این سخن راست و خرد آمیز است چه دانایان ایرانشهر بس سخن این چنین به راز برآیند چه از کوههای بلند دانشندان و خرد وران را خواسته و از گیاه سخنان خردی و از مردگان سست خردان و کم دانشان که چیزی هوش و ویر و خرد بیفز ندراند و بگردگان دانایی بزندگان جاویدان رسند به دین چون این سخن شنود خرسند بود و بخرد اوشتر دستور آفرین گفت »

در دوره ساسانیان رسالات بسیار بصورت اندرز نوشته شده و این نوع کتاب در دستگاه موبدان رواجی کامل داشته است و جمعی از بزرگان دین زردشتی بنوشتن اندرز معروفند مانند :

**اندرز های عهد
ساسانیان**

۱ - مقصود این است که خود ندانند ولی چون عام را از دیگران بطور امانت می

گیرند رستگار میشوند

آذرباد مارسیندان ۱ و سیرش زردشت و نوه اش آذر باد زردشت و بخت آفرید و بزرگمهر و خسرو نوشیروان و بهزاد فیروز و آذر فرنیخ فرخ زاد و غیره در کتاب دینکرد جلد سوم چهار اندرز منسوب بزردهشت و ساتنا و آذر باد و نوشیروان و چند پند و حکمت بنام جهشید ذکر شده است این طرز چیز نویسی در ادبیات اسلامی ایران هم تأثیر کرده و کتب فارسی یا عربی که بنام وصایا یا نصایح یا آداب بعد از اسلام تدوین یافته باین کامندرجات آنها را بفتاغورث و ارسطو و اناطون و غیره انتساب داده اند ولی اساساً بتقلید این اندرزهای یهالوی نگاشته شده است

در میان صاحبان تصانیف بزرگ عهد ساسانی بعضی رتبه اندرز بد داشته اند
مقام اندرز بد و در این منصب هم درجاتی منظور بود است در کتب یهالوی نام دورته از این رتبه ذکر شده است یکی ماگو اندرزیت و دیگر در اندرزیت. در کتاب یسنای اول یهالوی پنج مقام از مقامات روحانیون تصریح شده است

۱ - دانوبر دادور (قاضی)

۲ - مگویت مؤبد

۳ - رد دستور

۴ - ماگو اندرزیت (مشاور یا معلم اصول مجوس)

۵ - مگویتان مگویت موبدان موبد (بلند ترین مقامات دینی)

سمت و شغل حقیقی ماگو اندرزیت درست معلوم نیست ولی مسام است که بعد از موبد موبدان درجه اعلی را حائز بوده است

در کار نامه نام در اندرزیت واسپوهرگان مذکور است (یعنی مربی شاهزادگان دربار یا معلم کل نجبا) مقام در اندرز بد بین رئیس موبدان و رئیس کل قوای جنگی بوده است این مقام هم بطوریکه در ادبیات ارمینی مشهود است درجانی داشته است یکی از سر دازان ایرانی سگستان اندرز بد نام داشته است ظاهراً شغل او در عهد ساسانیان حفظ مراسم اخلاقی در جامعه بوده است نظیر محتسب در ایران بعد از اسلام و سانسور در ر. م. ۱

اندرزهای این مجموعه از عهد اوشنر تا زمانیکه در کتاب ثبت شده چندین

مقامات اوشنر

قرن در افواه منقول و از سینه بسینه منتقل شده است مندرجات کتابهای

یهالوی حکایت میکند که این حکیم در نزد خواص و عوام شهرتی فوق العاده داشته است و بدانش و خرد او مثل میزده اند در دادستان دینک گوید: «آن که بر خرد است مانند هوشور» در بند هشتن بر رک مینویسد «اندرزمان خدائی کابوس در همان هزارک دیران زور آور شدند و اوشنر بگشتن رسید و دیوان منش کابوس را بر خیزانند (یعنی او را اغوا کردند) تا بکار زار آسمان رود سرنگون در افتاد و فره ایزدی از او آورده شد»^۲

در کتاب روایات یهالوی میگوید: «هوشنر بود بر گرفتار» (مقصود از گرفتار گیرندگی

و قوت حافظه و نیروی ادراک و خرده گیری است)

در قسمت هفتم دینکرد جلد سیزدهم او را اوشنر پرزیر می نویسند بمعنی بسیار زیرک

۱ - این اندرز را نگارنده در سه سال قبل ترجمه کرده است

۲ - Censor

و هوشیار : «هم در آن زمان (فره ایزدی) باوشتر پرزیر (بسیار زیرک) آمد و این فره از جم بود هنگامی که درزهدان مادر بود مادرا بگفتار چیز میآموخت از شکم.»

هنگام زادن کینامینو را زد (مغلوب کرد) با یاسخ گفتاری بیرسش های فروجیای خائن دیو پرست و بفرمندی (صدارت) کایوس رسید ودر یادشاهی او هفت کشور را راه برد (اداره - کرد) و آن بزرگوار يك سخن قطعی آموخت و بسیار مردم از فرهنگ او سودمند شدند غیر ایرانیان را یاسخ گفتاری مغلوب کرد و ملك ایران با اندرز های سودمند عالی اندرز داد^۱
در آفرین زرتشت مینویسد « دانا پرزیر بوید چون اوشر پرخرد »

قول وست

د کتر وست یهاوی دان معروف راجع با این اندرز ها مینویسد اندرز اوشر دانا در مجموعه نسخ خطی یهاوی که در کتابخانه کینهک تحت علامت (K) ضبط شده بعد از همدن پشت واقم گردیده است^۲ و در جای دیگر بنظر نرسیده است نسخ دیگر این اندرز ها را از روی رساله کینهک استنساخ نموده اند این رساله مشتمل است بر ۱۴۰۰ کلمه و چون از وسط آن دو ورق افتاده است می توان گفت قریب ۶۰۰ کلمه از آن مفقود است ...

۱ - در ترجمه این عبارت محض آسانی مختصر سهل انگاری و تقدیم و تاخیر کلمات و حذف الفاظ جایز شمرده شد .

۲ - این مجموعه قدیمترین نسخه خط یهاوی است و در آخر قرن هفتم هجری قمری نوشته شده است اولیاء کتابخانه کینهک از برنفسور کریستن سن مستشرق معروف خواسته اند که آن نسخ را با چاپ عکسی منتشر کنند نخستین جلد آن که حاوی ارداویرافنامه و بوشت فریانو است دو سال قبل منتشر شد و نگارنده آنرا به فارسی ترجمه کرد . ر . ی .

تحصیل نور زیاد باء خارج کم

یکی از منظور های مهم اقتصادی در اروپا از دیرگاه تحصیل نور زیاد باء خارج کم بوده است و اکنون بدستگیری تجارب و زحمات علمی بدین مقصود نائل گردیده و از اینراه باقتصاد ملی خود مساعدت فراوان نموده اند . بدین طریق که بر گرد لامپ الکترونیک حلقه ای لایق تجزیه نور قرار دادند که مسیر تمام اشعه ای را که بیهوده بهدر رفته و در نقاط غیر لازم منتشر میشود برگردانده بر سطحی که لازم و طرف حاجت است (سطح اطاق یا میز و غیره) منعکس مینماید و بدین ترتیب نور مکتسبه از يك لامپ را بمراتب زیادتر کرده و باعث مبالغ گرافتی صرفه جوئی میگردد . یکی از علمای فرانسه موسوم به Janet ، رئیس آزمایشگاه الکتروسیته پاریس افزایش نور را در لامپهای مختلف بطریق ذیل محاسبه و تجربه نموده است :

حلقه مزبور چون برگرد لامپهای ۹۶ شمعی و ۴۵۰ شمعی و ۲۹۵۰ شمعی و ۴۸ شمعی قرار گیرد نور آنها بترتیب به : ۲۶۵ و ۶۷۵ و ۵۰۰ و ۶۳۰ شمع بالغ میگردد .

بنابراین اگر کسی خواسته باشد که باهمان لامپی که دارد تور بیشتری تحصیل کند لامپی ازهمان جنس فوق و باهمان قوه انتخاب میتواند کرد و نیز اگر بخواهد بهمان قدر نور اکتفا کند میتواند لامپ و چکتری را که بصره مقرون تراست با این حلقه بکار برد . این حلقه که در اثر بسط دادن نور به آمیلی لوکس « Amqilux » معروف ر دیده از شیشه مخصوصی که شکست در آن راه نمی یابد ساخته شده است .